

## بررسی تأثیر نگرش‌های ضد هژمونیک و تعامل گرا در اقلیم کردستان عراق بر نحوه

### مدیریت بحران‌های امنیتی

هنگامه نصرالدین پورگویا

دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی - گرایش اندیشه سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان ایران

علیرضا رضایی\*

دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

عباس صالحی نجف آبادی

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۴

### چکیده

متغیر اصلی پژوهش حاضر نگرش‌های ضد هژمونیک و تعامل گرا است که به طور موردی در اقلیم کردستان عراق بر روی نحوه مدیریت بحران بررسی می‌شود. در راستای بررسی نگرش‌های ضد هژمونیک و تعامل گرا در کردستان بر نحوه مدیریت بحران‌های امنیتی، تأثیر نگرش ضد هژمونیک با شاخص‌های نظم سیاسی کنش‌های ضد چیره‌جویی، نظم امنیتی، نظم اقتصادی، نظم موازنه محورانه و تعامل گرا با شاخص‌های همکاری در حوزه‌های ژئوپولیتیک سیاسی، دفاعی، امنیتی، فرهنگی و گفتمان صلح بر مدیریت بهینه و مطلوب بحران‌های امنیتی اقلیم کردستان امنیتی با شاخص‌های عدم تکوین دولت و ملت‌سازی و شکاف هویتی، کشم‌های سرزمینی، امتیازات ایالتی و فروش مستقل نفت دولت در کردستان مورد بررسی قرار گرفت. بحران‌های مورد بررسی در تحقیق حاضر شامل عدم تکوین دولت - ملت‌سازی و شکاف هویتی، کشم‌های سرزمینی، امتیازات ایالتی و فروش مستقل نفت دولت اقلیم می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش دولت اقلیم کردستان با چالش‌های داخلی و خارجی زیادی مواجه است. اما مهم‌ترین چالش داخلی در اقلیم کردستان عراق اختلافات احزاب کردی داخلی می‌باشد. اقلیم کردستان با موانعی همچون اختلافات زیاد داخلی، عدم همراهی کشورهای منطقه و آمریکا، مشکلات زیاد حوزه اقتصادی و مخالفت ترکیه و ایران و کشورهای همسایه مواجه است.

کلیدواژه‌ها: نگرش ضد هژمونیک، نگرش تعامل گرا، کردستان، مدیریت بحران، امنیت.

## مقدمه

روابط واحدهای سیاسی بر دامنه‌ای از محور هژمونی سلطه قرار دارد. در مقایسه با سلطه، هژمونی با احتمال بیشتری بر اعتماد نسبی طرفین و قدرت نرم استوار است (Nye, 1997)، لذا از سلطه متفاوت است. تجربه نشان داده است واحدهای سیاسی و کشورهایی که روابطشان را براساس معیارهای هژمونیک مبنی بر رضایت نسبی طرفین بنیان نهاده‌اند، موفق‌تر عمل کرده‌اند و هزینه‌های چندبعدی و جبران‌ناپذیر در روابط سیاسی‌شان را با نسبت قابل توجهی کاهش داده‌اند. به نظر می‌رسد، در این میان با بررسی معیارهای گوناگون و سیر تاریخی روابط جمهوری اسلامی ایران با اقلیم کردستان همواره بر بعدی غیرهژمونیک و متمایل به سلطه استوار بوده است. گستره سیاست، بویژه تحولات منطقه‌ای در دو دهه اخیر تغییرات زیادی داشته است. درک نامناسب این تغییرات شرایط را بحرانی‌تر و ناکارآمد خواهد کرد. تحولات اقلیم کردستان قبل از هر چیز زائیده واقعیت‌های منطقه و ماهیت چندبعدی آن است. در حالیکه، برخورد با این واقعیت در روابط ایران همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است و در مجموع بر دامنه غیرهژمونیک روابط این دو بیشتر دامن زده است. بررسی چگونگی سیر تاریخی این وضعیت و چشم‌انداز احتمالی از این روابط در متن حاضر به بررسی گذاشته شده است با این هدف که به زوایای مختلف آن پرتو بیشتری می‌افکند. در مقابل گفتمان تعامل‌گرا، گفتمان ضد هژمونیک قرار دارد. تبلور انضمامی این گفتمان در یک دهه اخیر را بیش از هر جای دیگر در ژئوپولیتیک شیعه؛ لبنان، سوریه، عراق، یمن، بحرین می‌توان پیگیری کرد. فانتزی گفتمان ژئوپولیتیک سیاست خارجی ایران، ایرانی در غرب آسیا؛ این گفتمان "خاورمیانه" را دالی غربی می‌داند (هژمون، بازدارنده در برابر تهدیدهای نظامی بزرگ مقیاس) نظیر حمله احتمالی نظامی امریکا (الهام بخش مسلمانان منطقه و جهان، طراح و نگرشی اسلامی پیشرفت)، این گفتمان دال "توسعه" را غربی می‌داند (برای کشورهای مسلمان، به لحاظ نظامی و تسلیحاتی پیشرفته و قدرتمند، دارای توان تعیین‌کنندگی و تصمیم‌گیری در مقیاس جهانی و ... است. دال‌هایی که این گفتمان استفاده می‌کند یکسره با گفتمان تعامل‌گرا متفاوت است، به عنوان مثال این گفتمان سعی در تثبیت دال دشمن در سیاست خارجی ایران دارد، نظام جهانی را با دال نظام سلطه توضیح می‌دهد و در پی تثبیت دال تهدید است. این گفتمان رفتار رادیکال ایران را واکنشی به رفتار بیرونی دانسته و توجیه می‌کند. خودی و دیگری در این گفتمان بسیار پررنگ است و جهان خارج بر اساس آن معنی می‌شود. مرز در این گفتمان با معیارهایی کاملاً متفاوت از گفتمان تعامل‌گرا تعریف شده و بر همین اساس منافع ملی و امنیت ملی تعریف می‌شوند. قدرت ملی در نگرش ضد هژمونیک بیشتر سخت است و نوع نرم آن بیشتر در مقابله با تهدیدهای داخلی در نظر گرفته می‌شود (جوکار و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸-۱۹). همچنین اقلیم کردستان عراق نیز علی‌رغم اهمیت سیاسی اقتصادی که دارد، با مسائلی جغرافیایی نیز روبه‌رو است، از جمله، به رغم دسترسی به منابع آبی فراوان در داخل عملاً محصور در خشکی است. از طرفی استان‌های نفت خیز کرکوک، موصل و ..... در نزدیکی مرزهای ایران و ترکیه قرار دارد و از نظر جایگاه ژئوپولیتیک آسیب‌پذیر تلقی می‌شود. همچنین تنوع بالای مذهبی و زبانی در کردستان عراق که گسل‌های عمیق ژئواتنیکال و ژئوکالچرال را در منطقه به وجود آورده است نیز باید توجه کرد. در نهایت مجموع این عوامل در مقابل هم، اهمیت متناقضی از سلطه هژمونی را برای طرفین به ویژه ایران همواره نگه داشته است. بنابراین برای پی بردن بررسی تاثیر نگرش‌های ضد هژمونیک و تعامل‌گرا در کردستان بر نحوه مدیریت بحران‌های امنیتی نیازمند بررسی بیشتر روابط میان این دو واحد سیاسی خواهیم بود.

## چارچوب نظری پژوهش

### هژمونی

واژه هژمونی از زبان یونانی گرفته شده و به معنای رهبری است و در روابط بین الملل، هژمون، رهبر یا وضعیت رهبری گروهی از دولت‌هاست. در واقع، رهبری ضرورتاً درجه ای از نظم اجتماعی و سازمان جمعی را مفروض می‌گیرد که در آن یک واحد، نقش عمده‌تری را به عهده می‌گیرد:

برخی، هژمونی را به نفوذی اطلاق می‌کنند که یک قدرت بزرگ می‌تواند در نظام بین‌الملل بر دیگر کشورها وارد کند و میزان این نفوذ از رهبری تا سلطه در نوسان است (بیلیس و اسمیت<sup>۱</sup>، ۱۳۸۳: ۳۶۳). برخی نیز به وضعیت عدم توازن قدرت اشاره کرده‌اند: وضعیتی که در آن رقابت میان قدرت‌های بزرگ به قدری نامتوازن است که یک قدرت در درجه اول قرار می‌گیرد و در نتیجه، می‌تواند قواعد و امیال خود را در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، دیپلماتیک و حتی فرهنگی تحمیل کند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۳۲).

کاکس آن را گونه‌ای از نظم بین‌المللی می‌داند که ثباتش مدیون نقش هدایتگر و تنظیم کننده یک قدرت برتر جهانی است که ابتکار و مدیریت را در ابعاد اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی اعمال می‌کند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۶۷۷). از نگاه گرامشی، باید میان سلطه و هژمونی تفاوت قائل شد. او سلطه را به معنای اعمال قدرت بدون رضایت بر افراد تحت حکومت و هژمونی را گونه‌ای رهبری فکری و اخلاقی می‌داند که نمایندگان قدرت همواره برای پنهان ساختن فقدان اجماع، اصول اخلاقی والایی را برای توجیه کاربرد زور مطرح می‌کنند و ارزش‌های اخلاقی، سیاسی و فرهنگی خود را به عنوان هنجارهای متعارف رفتار سیاسی جا زده و جهان بینی و فلسفه خود را به فلسفه توده مردم و یا «عقل متعارف» تبدیل می‌کنند. ابتکار فکری گرامشی فهمی است که از ماهیت حکومت بورژوا و در حقیقت از همه نظام‌های اجتماعی دارد؛ بدین معنی که قدرت واقعی نظام حکومتی در خشونت طبقه حاکم یا قدرت با عنف و جبر نهفته نیست، بلکه در این است که کسانی که بر آنها حکومت می‌شود «مفهومی از جهان» را پذیرفته‌اند که متعلق به طبقه حاکم است و این مفهوم به صورت عقلانی عرضه می‌شود. بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل میان هژمونی و «امپراتوری» تفاوت قائل‌اند. از این نگاه، از سال ۱۸۱۵، تلاش برای ایجاد امپراتوری در اروپا و جهان پایان یافته است و مفهومی غیرسرزمینی از امپراتوری مطرح شده که ضعیف‌تر از آن است. در واقع، ناپلئون آخرین کسی تلقی می‌شود که در صدد برآمد یک امپراتوری ایجاد کند. از نگاه والرشتاین، نظام جهانی سرمایه‌داری که از قرن شانزدهم پدید آمد، یک چارچوب سیاسی ملت - دولت دارای حاکمیت است که از طریق توازن قدرت به هیچ دولت واحدی اجازه نمی‌دهد که این سیستم را به سمت ایجاد یک امپراتوری واحد جهانی پیش برد. اما در این نظام، هژمونی برای مدت کوتاهی امکان‌پذیر است. از نظر والرشتاین، در امپراتوری، ساختار سیاسی، فرهنگ را با اشتغال پیوند می‌دهد، اما در وضعیت هژمونی، ساختارهای سیاسی، فرهنگ را با جایگاه مکانی در پیوند قرار می‌دهند. اگر نظام جهانی واجد یک نظام سیاسی مشترک باشد به یک امپراتوری جهانی تبدیل می‌شود، اما در حال حاضر، این امکان وجود ندارد (جلال‌پور و رحیمی، ۱۳۹۶: ۱۹).

<sup>1</sup> Bayliss and Smith

## ضد هژمونی

معنی و مفهوم ضد هژمونی در عرصه روابط بین‌الملل تا حد زیادی متفاوت از این برداشت گرامشی است به طور کلی از منظر نظری و سیاست عملی، همواره رفتارهای چیره‌طلبانه یا هژمونیک قدرت‌های بزرگ با چالش‌هایی مواجه بوده‌اند. آنچه عمدتاً در قالب «واکنش‌های مقابله‌گرا» یا «ضد هژمونیک» از سوی ملت‌ها، گروه‌های مردمی یا حتی دولت‌های رقیب و ستیزه‌جو صادر می‌شود. در این ارتباط مفهوم «کنش‌های ضد چیره‌جویی» (هژمونیک) از روند دائمی «چالش آفرینی»، «نبرد» و تجدید سازمان در برابر قدرت چیره‌جو حکایت دارد (کیوان حسینی، ۱۳۸۹: ۱۳۴). جان ایکنبری برای تشریح این نوع رفتار از تعبیر شیوه‌های ممکن برای حفظ ویژگی «روابط قدرتی نامتقارن» در کنار تداوم استیلا و چیره‌جویی استفاده و آن را در سه وضعیت معرفی می‌کند: «سلطه تحمیلی»؛ که به رفتار کشورهای ضعیف و درجه دوم مربوط می‌شود؛ بازیگرانی که با وجود ناراحتی از موقعیت زیردستی و میل مفراط به رهایی از آن از توانایی لازم برای مقابله با بازیگر چیره‌جو محروم هستند. وی این حالت را نوعی «امپراطوری غیر رسمی» می‌داند. در نوع دوم، یعنی «نظام هژمونیک با حداقل اشتراک منافع طرفین»، دولت چیره‌جو (هژمون) تا میزان مشخصی به توزیع خدمات در میان مناطق زیردست اقدام می‌کند تا انگیزه‌های آنان در مقابله یا براندازی تا سطح قابل‌تحمیلی کاهش یابد. نگرشی نهایی یعنی «هژمون لیبرال» به نظمی اشاره دارد که به شدت نهادینه شده و در عین حال با توافق و رضایت طرفین و فرایند دو جانبه تعامل سیاسی همراه است به گونه‌ای که سلسله مراتب قدرت با نوعی باور به منش خیرخواهانه بازیگر محوری عجین شده و در نتیجه، نظام حاصل با شدت کمتری، توزیع قدرت زیربنایی را منعکس می‌کند (ایکنبری، ۱۳۸۳: ۲۸-۲۹). بدین ترتیب، علاوه بر نظام بین‌المللی که نظامی متشکل از تعامل واحدهای ملی در چارچوب ارزش‌های هژمونیک است، با یک «وضعیت جهانی» نیز مواجه هستیم که در آن به طور دائم، تقابلی میان نیروی اصلی مدافع نظام (هژمونی) و جریان‌های ضد نظام (یا ضد هژمونی) وجود دارد. این تقابل، الزاماً تقابل نظامی نیست بلکه حوزه اصلی این تقابل، تقابل ایدئولوژیک است. به طور کلی، کنش‌های ضد هژمونیک به لحاظ ماهوی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

-کنش‌هایی که ماهیت نظام هژمونیک را به زیر سوال می‌برند و نگرشی متفاوتی را به عنوان چارچوب تعامل واحدهای ملی مطرح می‌کنند؛

-کنش‌هایی با عناصر نظام هژمونیک (قدرت مسلط، نظم اقتصادی، نظم سیاسی) دچار مشکل هستند و الزاماً با کلیت نظام در تعارض نیستند. دسته اول تعارضات را می‌توان «تعارضات ذاتی» و دسته دوم را «تعارضات عرضی» نامید. رفتار صرب‌ها در یوگسلاوی و رفتار صدام حسین در عراق و حتی رفتار کره شمالی نمونه‌ای از کنش‌های نوع دوم هستند در حالی که تقاضاهای بنیادگرایان اسلامی در نقاط مختلف جهان در قالب کنش‌های دسته اول قرار می‌گیرند (شوری، ۱۳۸۲: ۱۶۳).

## روش‌شناسی تحقیق

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که در این راستا شیوه‌های تاریخی - تحلیلی و در نهایت تطبیقی نیز لحاظ شده است در ضمن روش جمع‌آوری اطلاعات براساس روش کتابخانه‌ای از طریق فیش برداری، بررسی اسناد و مدارک مبادله شده و استخراج داده‌ها از بانک‌های اطلاعاتی و منابع اینترنتی با تعیین عناوین موضوع و زیر

مجموعه‌ها فیش برداری انجام و پس از آن به تحلیل و تفسیر داده‌ها و تدوین مطالب در راستای تأیید فرضیه اقدام خواهد شد و در پایان خلاصه بحث، جمع بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

### منطقه شناسی پژوهش

#### موقعیت جغرافیایی اقلیم کردستان

اقلیم کردستان عراق منطقه‌ای کوهستانی در شمال و شمال شرقی عراق (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). در عرض جغرافیای ۳۴ درجه شمالی و طول جغرافیایی ۴۶-۴۱ درجه شرقی قرار دارد و شامل استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، نینوا و دیاله است که حدود ۴۵ میلیارد بشکه نفت در این مناطق وجود دارد (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۶۱). همچنین به لحاظ سیاسی با قرار گرفتن بین چهار کشور جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، سوریه و عراق و تأثیرگذاری متقابل این منطقه بر سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای این کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از نظر اقتصادی شمال عراق به لحاظ قرار گرفتن بر راه خطوط لوله نفت صادراتی عراق به ترکیه و اروپا، شهرگ های اقتصادی عراق را تحت تأثیر قرار داده و موقعیت راهبردی خود را افزایش داده است (نصری، ۱۳۹۳: ۱۴) و ترکیبی از نفت، کشاورزی و گردشگری است به دلیل وجود زمین‌های حاصلخیز و آب فراوان از جایگاه ویژه ای برخوردار است (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). استناد به ماده ۲ قانون اساسی کردستان عراق، کردستان عراق اقلیمی است که از استان‌های اربیل (پایتخت)، سلیمانیه، دهوک و کرکوک تشکیل شده است و مرزهای سیاسی اقلیم کردستان عراق با توجه به اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق فدرال مشخص شده است. اقلیم کردستان عراق طبق قانون اساسی عراق اتحادی در منطقه کردنشین عراق است که این کشور در چارچوب یکپارچگی عراق؛ حکومت محلی و خودگردان را تشکیل داده است و امروز این منطقه دارای حکومتی متشکل از سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه است. حکومت منطقه‌ای کردستان عراق در مقایسه آن با الگوی خودمختاری و فدرالیسم این گونه استنتاج می‌شود که این حکومت در مواردی مانند برخورداری از یک مرکزیت سیاسی، داشتن مجلس و قوای مجریه و قضاییه محلی، داشتن نمایندگانی در پایتخت فدرال است.

#### شکل ۱. موقعیت جغرافیای سیاسی اقلیم کردستان عراق



Source: [www.rfi.fr/fa](http://www.rfi.fr/fa)

اقلیم کردستان عراق ۷۴۰۰۰ کیلومترمربع وسعت و حدود ۵۱۰۰۰۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد که شامل استان‌های اربیل، سلیمانیه، دهوک و برخی از قسمت‌های استان‌های نینوا، تمیم و دیاله است (زارعی و رنجبر، ۱۳۹۵: ۹۰۹-۹۲۸) وسعت استان اربیل ۱۴.۴۷۱ کیلومترمربع و جمعیت آن ۱.۳۴۵.۱۶۶ نفر، وسعت استان دهوک ۶.۵۵۳ کیلومترمربع و جمعیت آن ۹۰۶.۴۱۱ نفر و وسعت استان سلیمانیه ۱۷.۰۲۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۱.۶۵۹.۸۶۳ نفر است (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۶۱).

محدوده عراق کنونی، در حقیقت، یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری است که از هزاران سال قبل پدید آمده است و در پایه گذاری آن، می‌توان از اقوام و ملت‌هایی مانند سومری‌ها، کلدانی‌ها، آشوری‌ها، فارس‌ها، ترک‌ها، اعراب و بابلی‌ها نام برد. کردها از لحاظ فرهنگی و زبانی و طرز پوشش با عرب‌ها متفاوت هستند. کردها ستر قامت، خوش بنیه و جنگجو و دارای شخصیت متکی به خود هستند. اجزای فرهنگ کردستان عراق بیشتر سرشت ایرانی دارند و فرهنگ کردستان عراق بیشترین نزدیکی را با فرهنگ ایرانیان دارد. قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۳ زبان کردی را به عنوان یکی از زبان‌های رسمی عراق به رسمیت شناخت (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۲۴)، کردها زبان مخصوص به خود را دارند. کرمانجی مهم‌ترین لهجه کردها است که بیش از پنجاه درصد کردها به این لهجه صحبت می‌کنند و زبان نیمه رسمی آنها به شمار می‌رود. کردها در اقلیم کردستان دارای دین اسلام و اغلب آن‌ها سنی مذهب هستند. در مجموع ۷۵ درصد کردها سنی و ۱۵ درصد نیز شیعه و مابقی از سایر اقلیت‌ها هستند. در اقلیم کردستان ادیان و مذاهب مختلفی وجود دارد (نصری، ۱۳۹۳: ۱۶).

#### یافته‌های تحقیق

#### ساختار جغرافیای سیاسی عراق

عراق دارای موقعیت جغرافیایی و سیاسی مهمی در منطقه‌ی خاورمیانه است؛ این کشور از طرف شمال به ترکیه، از غرب به سوریه و اردن، از جنوب به عربستان، از جنوب شرقی به کویت و از شرق به ایران محدود است. کل مرزهای عراق ۳۸۵۹ کیلومتر است که از این میان، ۱۵۸۹ کیلومتر با ایران مرز مشترک دارد. طول نوار ساحلی این کشور در خلیج فارس که تنها مسیر دسترسی به آب‌های آزاد است حدود ۵۸ کیلومتر است که در بعضی منابع براساس حریم جزر و مد، نوار ساحلی عراق را میان ۲۰ تا ۴۸ کیلومتر برآورد می‌کنند که با این حساب، کشور عراق دارای موقعیتی به نسبت بری یا خشکی است دارا بودن طولانی‌ترین مرزهای کشور عراق با ایران و واقع شدن بیشتر شهرهای پرجمعیت این کشور در مشرق و در کنار مرزهای ایران از جمله نقاط ضعف ژئوپولیتیک کشور عراق است که آن را از لحاظ مسائل دفاعی و امنیتی آسیب‌پذیر می‌سازد (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۵). کشور عراق از لحاظ جایگاه ژئوپولیتیک اهمیت فراوانی دارد. موقعیت جغرافیایی، راه‌های مواصلاتی به کشورهای مهم منطقه، شبکه آب‌ها و سایر عوامل ثابت ژئوپولیتیک این کشور از اهمیت زیادی برخوردار هستند. همچنین هنگام بررسی ژئوپولیتیک عراق عوامل متغیر و به ویژه منابع انسانی و ترکیب قومیتی این کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. افتراقات جمعیتی در عراق ریشه در نیات و اهداف انگلیس در تشکیل کشور عراق دارد که موجب بروز بحران‌ها و ناآرامی‌های زیادی در طول تاریخ معاصر این کشور گردیده است. به طوری که ماهیت سه‌گانه هویت و جمعیت در عراق با منافع و رویکردهای متفاوت و متناقض، عراق را از

منظر ژئوپولیتیکی به کشوری خاص تبدیل کرده است. یکی از اصلی‌ترین دلایل بروز بحران‌های امنیتی در عراق را می‌توان ویژگی‌های جمعیتی این کشور و شکاف‌های قومی (عرب - کرد) و مذهبی (شیعه - سنی) دانست. جامعه عراق، جامعه‌ای متکثر و دارای تنوع قومی و مذهبی و بافتی عشیره‌ای است. عراق را می‌توان یک کشور موزاییکی نامید؛ به این معنا که این سرزمین از یکسو محل پیوند اقوام مختلف و از سوی دیگر محل تعامل مذاهب شیعه و سنی است. این تکتور قومی و مذهبی در ساختارهای قدرت در عراق از گذشته تاکنون تأثیرات خود را برجای گذاشته است (روزبه و کیانی، ۱۳۹۵). اقلیم کردستان عراق پیرامون دو شکاف عمده ساختاربندی شده است. شکاف قومی، عراقی‌ها را به دو گروه قومی عرب و کرد و شکاف مذهبی نیز مسلمانان این کشور را به دو گروه مذهبی شیعه و سنی تقسیم کرده است. براساس این دو شکاف عمده، جامعه کردستان عراق به سه گروه قومی - مذهبی عمده کرد سنی، عرب سنی و عرب شیعه تقسیم شده است به لحاظ قومی، ۱۱ تا ۳۰ درصد جمعیت عراق را عرب‌ها، ۱۱ تا ۳۰ درصد را کردها و حدود ۱ درصد را سایر اقوام تشکیل می‌دهند. در بُعد دینی، بیش از ۳۱ درصد جمعیت عراق را مسلمانان و مابقی را مسیحی‌ها، یزیدی‌ها و صابئی‌ها تشکیل می‌دهند. مسلمانان خود نیز به یک اکثریت شیعی و یک اقلیت سنی تقسیم می‌شوند. شکاف مذهبی موجود میان اعراب در اقلیم کردستان به منبع منازعات سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است. منازعه اعراب سنی و اعراب شیعه بیش از آنکه دلایل مذهبی داشته باشد، منازعه بر سر کسب قدرت و تسلط بر مقدرات اقلیم کردستان است. هر دو گروه اعراب سنی و اعراب شیعه در دفاع از ناسیونالیسم عربی متفق القول هستند، اما اعراب سنی ناسیونالیسم عربی را در چارچوب جهان عرب و اعراب شیعه آن را در چارچوب جغرافیای اقلیم می‌خواهند. اختلافات قومی و مذهبی ناشی از ناخشنودی از مرزهای تحمیلی از عواملی است که باعث بروز تضادها و تعارض‌های دائمی در منطقه از جمله اقلیم کردستان شده است (مصلی نژاد، ۱۳۹۵). اقلیم کردستان کنونی نیز به دلیل مصنوعی بودن جغرافیا و ساختار سیاسی، دارای مشکلات و چالش‌هایی مانند شکاف اجتماعی بر مبنای منازعات قومی و مذهبی است. شکاف‌های اجتماعی در طول تاریخ تشکیل اقلیم عراق، منبع و منشأ چالش‌ها و بحران‌های متعددی بوده است. به دلیل ذاتی بودن این شکاف‌ها، این چالش‌ها در برخی مقاطع، همانند زخمی کهنه، سر باز می‌کند و اقلیم را دچار بحران‌های مزمنی می‌نماید. شکاف‌های اجتماعی در کردستان عراق تقریباً تمامی حوزه‌ها و ساختارهای اجتماعی این کشور را تحت تأثیر خود قرار داده است و چالش‌های متعددی را برای این کشور به وجود آورده است؛ چالش‌هایی که باعث بروز بحران‌های امنیتی در اقلیم، یکی پس از دیگری شده است. تحولات عمیق در عراق پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، و به ویژه خلاء قدرت ایجاد شده پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، هجوم داعش به این سرزمین، و اخیراً برگزاری رفراندوم استقلال در کردستان عراق و گسترش فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی کردها در راستای اهداف استقلال طلبانه خود در این کشور، زمینه مناسبی برای توسعه حضور و نفوذ اسرائیل در کردستان عراق فراهم آورده است. از سال ۱۹۹۱ میلادی تا کنون بحث استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق از بحران‌های اساسی این کشور بوده است. مسعود بارزانی،

رئیس اقلیم کردستان عراق برای رسیدن به این هدف در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ همه‌پرسی تعیین استقلال از حکومت مرکزی را برگزار کرد و عراق را تا آستانه خطر تجزیه‌طلبی و جنگ داخلی پیش برد. کردستان عراق بعد از ایجاد دولت فدرالی، پیشرفت زیادی را در زمینه های علمی، اقتصادی و سیاسی به دست آورده است. همچنین علاوه بر پیشرفت در این زمینه‌ها، با حمایت از سیاست‌های آمریکا در عراق و نیز ارتباط با رژیم صهیونیستی، نفوذ بیشتری در منطقه، خصوصاً در کشورهای دارای اقلیت کردنشین پیدا کرده است. وجود مرز مشترک و اشتراکات فرهنگی و مذهبی و از طرف دیگر پیشرفت‌های زیاد سال های اخیر در اقلیم کردستان در مقایسه با مناطق کردنشین ایران، در کنار سهم قابل توجه کردها در ساختار سیاسی عراق، تأثیرپذیری کردهای ایران را از کردستان عراق افزایش داده است. اگر به نقشه کشورهای منطقه، به ویژه چهار کشور سوریه، ایران، عراق و ترکیه و نیز پراکندگی کردها نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم که این کشورها در یکی از بحرانی‌ترین مناطق دنیا قرار گرفته‌اند. در ده‌های اخیر بحران‌های بزرگی در این منطقه روی داده است؛ بحران‌هایی که خود کردها مولود آن می‌باشند. کردستان عراق در حوزه کشش و رانش سه میدان فرهنگی و تمدنی، ایرانی، عرب و ترک قرار دارد. میدان‌های مذکور، میدان‌های ایدئولوژیک با نگرش‌های تکنوکراتیک - الیگارشیک هستند که قابلیت جذب در میدان را برای کردها به حداقل می‌رساند (روزبه و کیانی، ۱۳۹۵).

#### شکاف جغرافیایی (منطقه‌ای) تقسیمات اجتماعی در اقلیم کردستان عراق

کردها نیز در استان‌های شمالی که عمدتاً مناطقی کوهستانی است زندگی می‌کنند. گرایش به تشکیل یک جامعه ملی مشترکی که همه اتباع دولت براساس حلقه های مشترکی مانند زبان، مذهب، تاریخ و فرهنگ به هم پیوند خورده باشند و دولت‌ها به پشتوانه آنها بتوانند با تشکیل ارتش‌های بزرگ و نیرومند، از خود در مقابل تهدیدها دفاع کنند (JÜDE, 2017: 111). دولت ملی دارای ویژگی‌هایی است که این ویژگی‌ها آن را از سایر اشکال حکمرانی مانند دولت، شهرها، امپراتوری‌ها و نظام‌های قبیله‌ای متمایز می‌کند قلمرو جغرافیایی معین و مشخصی دارد که در آن اعمال قدرت می‌کند، دارای حاکمیت است به نحوی که از مداخله خارجی مصون می‌ماند، دارای حکومتی است که قادر است قلمرو جغرافیایی و مردم ساکن در آن را به طور مستقیم اداره یا کنترل کند، دارای مرزهایی ثابت است که توسط سایر دولت‌ها به رسمیت شناخته شده است، از کاربرد انحصاری و مشروع اجبار فیزیکی بر قلمرو و مردم ساکن در آن برخوردار است، از نوعی احساس هویت مشترک ملی میان ساکنان کشور برخوردار است، هویتی که در تاریخ و فرهنگ مشترک، زبان، مذهب و سنت‌ها ریشه دارد، قادر است به فرمانبری و وفاداری ساکنان کشور تکیه کند (Ibid) باتوجه به اینکه در اکثر کشورهای غرب آسیا، دولت‌های حاکم بر آنها با گروه‌های قومی و فرهنگی تحت سلطه شان در انطباق نبودند، در فرایند گذار از جامعه سنتی و نوسازی اقتصادی و سیاسی، با بحران‌های هویت و مشروعیت مواجه شده‌اند. این قبیل کشورها برای مقابله با چالش مشروعیت، از یکسو سیاست یکپارچه‌سازی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی که ملت‌سازی نامیده می‌شود و ازسوی دیگر، سیاست تقویت نهاد دولت مقتدر را که از آن به دولت سازی تعبیر می‌شود، درپیش گرفتند و در این راه از ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه و شیوه‌های اقتدارگرایانه استفاده کردند (Brendan et al, 2005).



## روند ملت سازی

در سالهای پس از ۲۰۰۲ با اتکا بر سیاست احترام به تکثر فرهنگی، مذهبی و قومی و ایجاد همزیستی بین گروه‌های مختلف اجتماعی دنبال شد، اما ملت‌سازی جدید نیز تحت تأثیر شکاف‌های عمیق اجتماعی با شکست روبه‌رو شد و دولت اقلیم، بدون اتکا به ملت و هویت یکپارچه برآمده از آن، فقط توانسته است نمایندگی بخشی از جامعه را به دست آورد. براین اساس می‌توان گفت کردستان عراق، کشوری است که به جای پا، روی دست راه می‌رود. شکاف‌های قومی و مذهبی عمیق در اقلیم موجب شده است که همواره هویت قومی و مذهبی بر هویت ملی برتری داشته باشد و این عامل همچون مانعی در مسیر ایجاد هویت ملی واحد و فراگیر براساس ساخت سیاسی یکپارچه در اقلیم عمل کرده است از ابتدای تشکیل اقلیم، کردها خواهان خودمختاری بوده‌اند تا بتوانند تعاملات سیاسی و شناسایی بین‌المللی از خود را بر مبنای فرهنگ و زبان کردی بنا کنند. آنها خواهان رسمیت یافتن زبان کردی و آموزش با این زبان بوده‌اند و همیشه در مقابل تسلط زبان، فرهنگ و نهادهای عربی از خود مقاومت نشان داده‌اند. این احساس هویت متمایز کردها از اعراب عراق، اختلافات و منازعات بسیاری را در اقلیم عراق و عراق باعث شده است و دوره پس از صدام نیز تلاش کردها برای خودمختاری بیشتر و تحقق منطقه فدرالی منطبق با مرزهای قومی و فرهنگی کردستان منعکس کننده تداوم شکاف کردی - عربی و هویت‌های متفاوت در این اقلیم است (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۳۳). این شرایط باعث شد که هیچیک از نظام‌های سیاسی که در این کشور یکی پس از دیگری روی کار آمدند، نتوانند مبانی هویتی مشترک را در این اقلیم ایجاد کنند و در امر دولت - ملت‌سازی ناکام ماندند. در کردستان علیرغم تصویب و استقرار قانون، کماکان اختلافات بسیاری بین گروه‌های قومی و مذهبی و حتی داخل هر یک از این ساختارسیاسی - حقوقی شده است. تعمیق شکاف‌های اجتماعی و گسترش منازعات طایفه‌ای پس از سقوط رژیم صدام و آغاز روند سیاسی جدید، ائتلاف‌های سیاسی عمدتاً بر مبنای اصول طایفه‌گرایانه تشکیل شدند. براین اساس، کردها با کردها، اهل سنت با اهل سنت و شیعیان با شیعیان ائتلاف کردند. براساس نگرشی دموکراسی انجمنی، قدرت براساس ملاحظات و اصول طایفه‌ای تقسیم می‌شود. از این رو، احزاب و جریان‌های سیاسی برآمده از گروه‌های قومی و مذهبی ناگزیر از تشکیل ائتلاف‌های طایفه‌ای شده‌اند. این احزاب و جریان‌ها ناچارند برای کسب رأی، به پایگاه اجتماعی طایفه خود (شیعه، کرد یا سنی) اتکا کنند. این وضعیت باعث تعمیق شکاف‌های اجتماعی شده است و عراق را در معرض بحران‌های ناشی از طایفه‌گرایی قرار داده است (سازمند و همکاران، ۱۳۹۰).

### ظرفیت و امکانات اقلیم کردستان عراق برای مدیریت بحران ها

#### موقعیت سیاسی - جغرافیایی کردستان

مرزهای سیاسی بین ایران، عراق، سوریه و ترکیه در مناطق گردنشین، کردستان را به چهار بخش اصلی تقسیم کرده است. این مناطق دارای اشتراکات زبانی، فرهنگی، نژادی، تاریخی و ... هستند (Rogg & Rimscha, 2007). و مسلماً رویدادی در هر بخش، دیگر بخشها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ولی به علت وجود تمایزاتی در بخش‌های مختلف گردنشین منطقه، تأثیرپذیری آنها یکسان نخواهد بود.

## سابقه مبارزاتی طولانی

از همان ابتدای تشکیل کشور عراق و حتی زودتر، جنگ کرد و عرب آغاز گردید و طی سه دوره‌ی ۱۹۲۵-۱۹۱۵، ۱۹۷۵-۱۹۶۵، ۱۹۹۱-۱۹۸۰ شدت گرفت. کردها در هنگام تولد کشور عراق، با استناد به اصول ۱۲ گانه ویلسون و عهدنامه سور، خواستار استقلال بودند و به مرور با اعلام استقلال عراق (۱۹۳۲) کردها خواهان خودمختاری فرهنگی - سیاسی در چارچوب عراق و همچنین مشارکت داده شدن مناسب در پست‌های حکومت مرکزی بودند (Brendan et al, 2005). سابقه‌ی طولانی در مبارزات استقلال طلبانه و خودمختاری طلبانه در عراق و تثبیت ناسیونالیسم کرد در این بخش از کردستان، باعث شده است که وضعیت فعلی این منطقه، تأثیرات عمیقی را بر پیرامون بگذارد.

## جایگاه کردها در قانون اساسی عراق

اگرچه قانون اساسی عراق، تمام خواسته‌های کردها را برآورده نمی‌کند ولی با این حال استقرار نظام جمهوری پارلمانی، دموکراتیک و فدرال (ماده ۱)، پذیرفتن هویت متمایز کردها از اعراب (ماده ۳)، رسمیت زبان کردی ماده ۴، آزادی آموزش به زبان مادری ماده ۴، برابری تمام عراقی‌ها بدون هرگونه تبعیض در برابر قانون (ماده ۱۴)، به رسمیت شناخته شدن منطقه اقلیم کردستان و مقامات آن و مصوبات پارلمان کردستان از بدو تشکیل (۱۹۹۲) به بعد (مواد ۱۱۴ و ۱۳۷) به رسمیت شناخته شدن نیروهای پیشمرگ و سازمان اطلاعاتی کردستان (پاراستن) (ماده ۱۱۸) تضمین حقوق اداری، سیاسی، فرهنگی و آموزشی قومیت‌های مختلف کشور (ماده ۱۲۲)، وجود نوعی حق وتو براساس شرایط ویژه برای رد هرگونه اصلاح مواد قانون اساسی که نقض اختیارات مناطق باشد و جزو اختیارات انحصاری مقامات فدرال نباشد (ماده ۱۲۳) ممانعت از رئیس جمهور یا نماینده‌ی مجلس شدن دست اندرکاران سرکوب قیام ۱۹۹۱ و جنایات انفال (ماده ۱۳۵)، تعیین دوره زمانی برای همه پرس‌ی در کرکوک و دیگر مناطق تعریف شده‌ی کردستانی به منظور بازگشت به محدوده کردستان (ماده ۱۳۶)؛ از جمله دستاوردهای مهم کردها در قانون اساسی عراق می‌باشد.

## وضعیت فرهنگی - هویتی کردها در منطقه

کردها در ترکیه و سوریه از حقوق فرهنگی - هویتی و سیاسی خود محروم هستند. در عراق قبل از شکل‌گیری حکومت منطقه‌ای کردستان عراق به جز دوره محدود اوایل اقتدار قاسم (۱۹۶۱-۱۹۵۸) کردها متحمل شدیدترین سرکوب‌های سیاسی - فرهنگی، نژادی - هویتی شدند (یلدیز، ۱۳۹۱: ۳۵۹-۳۵۰). در ایران نیز با وجود وضعیت مناسب‌تر نسبت به ترکیه، سوریه و عراق قبل از دهه ۱۹۹۰، دارای مشکلاتی چند در ابعاد فرهنگی و اقتصادی هستند.

## انقلاب ارتباطات و کردها

مسئله‌ای که کمتر بدان پرداخته شده ولی دارای اهمیت فراوانی در آینده نزدیک می‌باشد شبکه ارتباطات گسترده جهانی در مناطق گردنشین و دنیای خارج می‌باشد. هیچ کس نمی‌داند که انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی چه تأثیری بر رفتار و منش سیاسی کردها خواهد داشت، ولی آنچه مسلم است این است که این تأثیرات بسیار عمیق خواهد بود (همان). اساسی‌ترین واقعیت این است که توسعه سیستم‌های ارتباطی برای جوامع بسته این امر را بسیار دشوار

خواهد ساخت که اینگونه جوامع در عین حال که مایلند بخشی از اقتصاد جهانی به شمار آیند، مانع دسترسی شهروندان خود به اطلاعات سانسور نشده شوند (موسوی‌زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۸).

### تأثیرات حکومت منطقه‌ای کردستان عراق بر پیرامون

شکل‌گیری دولت منطقه‌ای کردستان، در جوار مناطق کردنشین منطقه و با توجه به ساختار قومی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند چالش‌هایی را برای ترکیه، ایران و سوریه در پی داشته باشد. با تداوم حیات و تثبیت آن در قانون اساسی این کشور، احتمال درخواست خودمختاری و فدرالیسم از سوی کردهای کشورهای منطقه مطرح خواهد شد. بازتاب تحولات شکل گرفته در عراق و تأثیرگذاری و نقش آفرینی کردها در ساختار جدید داخلی این کشور، می‌تواند خواسته‌های کردها را در بعد منطقه‌ای نیز گسترش دهد (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۸). به واسطه‌ی حوادث و رخداد‌های تاریخی و نیز رویکردهای قهرآمیز حکومت‌های مرکزی در طول زمان، مفهوم مرز و مناطق مرزی در اغلب موارد یادآور نوعی «خطر و ناامنی» است و ضمناً پیوستگی به اقدامات نظامی را به ذهن متبادر می‌سازد (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۴). نگرانی شدید سه کشور ترکیه عراق و ایران از تحولات شمال عراق و گسترش دستاوردهای کردها در آن کشور همواره از اولویت‌های سیاست خارجی سه کشور نسبت به همدیگر است. در ۱۴ نوامبر ۱۹۹۲ وزرای خارجی ترکیه، ایران و سوریه برای بحث درباره وضعیت کردستان عراق برای بار اول با هم دیدار کردند. توجه سه کشور به نگرانی از تجزیه عراق و استقلال کردستان معطوف بود. وزیر خارجه ترکیه بیان کرد که لازم است کشورهای منطقه در ارتباط با وضعیت فعلی کردستان عراق و دستاوردهای آن با هم رایزنی کنند، وزیر امور خارجه سوریه هدف اصلی اجلاس را برخورد با کردهای عراق و کنترل وضعیت پیش آمده عنوان کرد و هم‌تای ایرانی آنها در مورد وضعیت شمال عراق از اصطلاح هرج و مرج استفاده کرد و گفت که این مسئله می‌تواند امنیت ملی هر سه کشور را به خطر بیندازد (حاتمی و سانپار، ۱۳۹۶: ۹۵). در سال ۱۹۹۷ با عقد پیمان امنیتی بین اسرائیل و ترکیه این دیدارها قطع شد. پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ این کشورها دوباره به دیدگاه مشترک خود در مورد کردستان عراق رسیدند.

### تقویت هویت و فرهنگ کردی

دستاوردها در قانون اساسی عراق، توانمندی رسانه‌ای حکومت منطقه‌ای کردستان در بعد جهانی (شبکه‌های ماهواره‌ای)، به همراه هزاران وبسایت کردی، انتشار بیش از ۴۰۰ مجله که شامل ۱۳ روزنامه نیز می‌شود، وجود ۱۴ دانشگاه و در نهایت مشارکت کردها در اداره حکومت مرکزی، بر توان تأثیرگذاری فرهنگی کردستان عراق بر پیرامون افزوده است به عبارت دیگر توانایی انجام فعالیت‌های گسترده فرهنگی در قلمرو حکومت کردستان از قبیل انتشار کتب و مجلات کردی، با توسعه زبان کردی، انتشار نشریات، سمینارها و فستیوال‌های فرهنگی، ادبیات، یادمان شخصیت‌های کردی و تاریخی کردستان و نظایر این تأثیرات گسترده‌ای بر دیگر مناطق کردنشین گذاشته است یا خواهد گذاشت. اخبار و محتوای فعالیت‌های فرهنگی حکومت منطقه‌ای کردستان عراق از طریق رسانه‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی به صورت گسترده پخش می‌شوند و کردها با هویت و فرهنگ خود پیوند مجدد می‌خورند. همواره یکی از موضوعات مورد بحث کردها در اندیشه خودمختاری و تعامل با دولت‌های مرکزی، مسأله فرهنگ و زبان کردی بوده است. بنابراین اقدامات حکومت منطقه‌ای کردستان در پردازش، ارتقا و ترویج فرهنگ، تاریخ و

زبان کردی و انتشار آن توسط رسانه‌ها، می‌تواند باعث گسترش علاقه کُردهای جهان و منطقه خاورمیانه به حکومت منطقه‌ای کردستان عراق شده و محبوبیت آن را افزایش دهد و از آن نگرشی ایده‌آل و آرمانی در ذهن کُردهای سایر مناطق ایجاد نماید (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۲).

### تأثیرات ذهنی روانی

از آوریل سال ۱۹۹۱، دولت منطقه‌ای کردستان در حال اجرای امور خود بوده است. دانشگاه‌ها باز شده‌اند، مجوز ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی تنظیم شده‌اند، انتخابات شهری و پارلمانی برگزار شده‌اند، پلیس و نیروهای امنیتی به وجود آمده‌اند، یک بانک مرکزی تأسیس شده، پرچم و سرود ملی و پایتخت تعیین شده است (باقری، ۱۳۹۴: ۵۸). تثبیت حکومت منطقه‌ای کردستان در پی تحولات سال ۲۰۰۳ به بعد و دستاورد کُردها در قانون اساسی عراق، باعث شده است که اعتماد به نفس کُردها بالا رود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۳).

### تقویت هویت و ناسیونالیسم کردی

کردها از شکل‌گیری دولت منطقه‌ای کردستان قوت قلب گرفته و به آینده امیدوار هستند و انتظار دارند که در کشورهای خودشان فرصت‌های بیشتری در اختیار آنها گذاشته شود. همچنین پس از تأسیس این حکومت، فعالیت‌های فرهنگی و ارزش‌های کُردها در تمام منطقه توسعه یافته و ارتباطات اجتماعی بین کُردهای عراق و با کُردهای کشورهای همسایه گسترش پیدا کرده است (همان). در نتیجه، در اثر شکل‌گیری حکومت منطقه‌ای کُردها احساسات ملی‌گرایانه مردم کُردها در کل منطقه تقویت شده است.

### افزایش مطالبات از دولت مرکزی

تأثیر سیاسی خودگردانی شمال عراق بر کُردهای منطقه را می‌توان در حوزه روابط با دولت‌های مرکزی آنها ردیابی کرد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۳). دستاوردهای کُردها در عراق باعث بهبود موقعیت حقوقی و اوضاع معیشتی کُردهای منطقه شده است. ترکیه تحت فشار اتحادیه اروپا و اثرات وضعیت کُردها در عراق و فعالیت ک.ک.پ، گام‌های عمده‌ای به نفع کُردهای این کشور برداشته که انتشار نشریه‌های سراسری کُردها، راه‌اندازی شبکه‌ی رادیویی و تلویزیونی کردی و پخش برنامه‌های کُردها از شبکه‌های سراسری ترکیه، آزادی آموزش زبان و تدریس زبان کُردها در مدارس (فعالاً خصوصی)، اجرای پروژه‌های زیربنایی در کردستان ترکیه و پرداخت غرامت به آسیب دیدگان از درگیری‌های دهه ۱۹۹۰ و قبل از آن به کُردها، از آن جمله هستند کُردهای ایران با آگاهی از این تحولات عمدتاً از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی؛ مطالبات خود را بر اساس این تحولات مهم تنظیم می‌نمایند. جریان اصلاح طلب کُردها، مطالبات فرمول‌شده‌ای را از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری ایران در دوره نهم (۱۳۸۴) مطرح کرد و رأی دادن به آنها را موکول به پذیرش آن نمود در بین این مطالبات بر آموزش رسمی زبان کُردها، بازگشت کُردهای خارج از کشور، آزادی نشر مطبوعات کُردها، رفع توسعه نیافتگی منطقه‌ای و تبعیض اجتماعی، مشارکت سیاسی در سطح منطقه‌ای و ملی تأکید شده است (هفته نامه سیروان، شماره ۳۶) استقبال کُردهای ایرانی از تصویب قانون اساسی موقت عراق و فدرالیسم کُردها در اسفند ۱۳۸۲ و شادمانی آنها بخصوص در مهاباد از رئیس‌جمهور شدن جلال طالبانی در عراق در مقایسه با مشارکت بسیار کم در انتخابات شورای اسلامی (۱۳۸۲) مجلس (۱۳۸۳) و دوره نهم ریاست جمهوری (خرداد و تیر ۱۳۸۴) قابل تأمل است. در شرایطی که کُردهای عراق نه تنها در استان‌های کُردنشین عراق از حق نظام فدرالی برخوردار گردیده‌اند،

بلکه در دولت مرکزی نیز سهمی فراوان دارند، پرسش از جایگاه هموطنان کرد در نظام مدیریتی ملی و استان-های گردنشین، پرسش قابل انتظاری است که نباید به جای پاسخگویی، به پاک کردن صورت مسئله پرداخت. در غیر این صورت پیامد ناگوار بی توجهی به این قبیل مطالبات را می توان در کاهش معنادار میزان مشارکت سیاسی کردها همانند سه انتخابات ذکر شده، در بالا مشاهده کرد (حق پناه، ۱۳۸۶: ۷). تأثیر فعلی وضعیت کردستان عراق بر کردستان سوریه را می توان در وقایعی نظیر، درگیری های نوروز ۱۹۹۵ که ۶۰ نفر دستگیر شدند و نوروز ۱۹۹۸ که چندین نفر به اتهام پخش آهنگ های ناسیونالیستی کردی زندانی شدند جستجو کرد. از این دست وقایع فراوانند از جمله، در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۲، روز جهانی حقوق بشر، ۱۵۰ عضو حزب دمکرات کردستان سوریه بیرون از پارلمان تظاهرات کرده و خواهان اعطای تابعیت به کردها، رفع ممنوعیت زبان کردی و احترام به حقوق بشر در سوریه شدند. در ۲۵ ژوئن ۳۸۰ کودک کرد به منظور گرامیداشت روز جهانی کودک در یک راهپیمایی صلح آمیز به سمت مقر سازمان یونسف در دمشق شرکت کردند، این کودکان خواهان آزادی فرهنگ و آزادی زبان و حقوق بشر بودند. در روز ۱۰ دسامبر ۲۰۰۳ مجدداً احزاب کرد و سازمان های حقوق بشر سوریه به منظور احترام به موازین بین المللی حقوق بشر و برخورداری همه شهروندان سوریه از این حقوق در تظاهرات دیگری شرکت کردند برخورد شدید دولت سوریه با معترضین در مارس ۲۰۰۴ منجر به مرگ چندین کرد در قامیشلو شد. در پی آن هزاران کرد در اعتراض به این قتل عام و سرکوب عمومی حزب بعث به خیابان آمدند. پلیس برای فرو نشاندن اعتراض ها از سلاح های جنگی استفاده کرد که منجر به کشته و زخمی و بازداشت شدن صدها کرد دیگر شد (Larzief, 2002:312).

### نتیجه گیری

شکاف های اجتماعی موجود در جامعه عراق در صد سال اخیر باعث بروز تنش ها و منازعات فراوانی شده است. این منازعات در دوران پس از صدام که عراق وارد روندهای دموکراتیک شد، کماکان وجود دارد. درحالی که در دوران صدام و ما قبل از آن، سیاست سرکوب و همانندسازی حاکمان سنی باعث ایجاد شکاف اجتماعی در عراق شده بود در دوران جدید، روندهای دموکراتیک و تمرکززدایی باعث ظهور مطالبات قومی و مذهبی جدید و برجسته شدن این مطالبات شده است. تا سال ۲۰۰۲، سیاست هویتی حزب بعث، هویت سازی براساس ناسیونالیسم عراقی و ایجاد یک هویت ملی اجباری در عراق بود. اگرچه این سیاست هویتی به دلیل نادیده گرفتن گروه های قومی کرد و ترکمن به دلیل عرب گرایی و شیعیان عرب به دلیل هراس از ریشه ها و زمینه های مذهبی شان با شکست روبه رو شد، در عراق پس از ۲۰۰۳ نیز عملاً هیچ سیاست هویتی روشنی اتخاذ نشد و سهمیه بندی قدرت براساس اصول طایفه گرایانه و تلاش گروه های قومی و مذهبی برای کسب سهم بیشتری از قدرت، شکاف های هویتی را عمیق تر کرد. پس از ۲۰۰۳، خرده هویت ها خود را نه بر مبنای اصول ملی گرایی عراقی، بلکه براساس ملاحظات قومی و مذهبی تعریف کردند. تا پیش از سال ۲۰۰۳، شکاف های اجتماعی موجود در جامعه عراق، غیرفعال باقی مانده بودند. به طور مثال، اهل سنت با شیعیان و شیعیان با اهل سنت ازدواج می کردند و تولیت برخی از عتبات مقدسه را اهل سنت عهده دار بودند. به طور خلاصه میتوان گفت شکاف های قومی و مذهبی موجود در جامعه منبع و منشأ مناقشات اجتماعی نبودند، بلکه شکاف اصلی و مناقشه برانگیز، شکاف بین مردم و دولت بود. پس از فروپاشی حزب بعث نیز اختلافات

قومی و مذهبی عامل بروز شکاف‌های مناقشه برانگیز اجتماعی نبودند، بلکه نوع نظام سیاسی و رهبران سیاسی این شکاف را ایجاد کردند. در واقع، درحالی‌که بین مردم شکاف قابل توجهی وجود نداشت، رهبران سیاسی با اهداف سیاسی و به منظور کسب قدرت، شکاف‌های قومی و مذهبی را درون جامعه فعال کردند. احزاب و جریان‌های سیاسی با اتکا به سیاست مترسک‌سازی و ایجاد دشمن فرضی، تلاش کردند حمایت بخشی از جامعه را به دست آورند و با برجسته‌سازی هویت گروه قومی و مذهبی که به آن منتسب بودند، تلاش کردند با اتکا به آن هویت، سهم بیشتری از قدرت سیاسی را به دست آورند. احزاب سنی ناگزیر از اتکا به اهل سنت، احزاب شیعه ناگزیر از اتکا به شیعیان و احزاب کرد ناگزیر از اتکا به کردها شدند. به این ترتیب، نگرشی رأی‌دهی براساس ملاحظات طایفی نهادینه شد. نوع نظام سیاسی مبتنی بر دموکراسی انجمنی و تسهیم و توزیع قدرت براساس ملاحظات قومی و مذهبی، باعث تشدید این وضعیت شد. مهم‌ترین دلایل اصلی ناکامی کردستان عراق در دستیابی به استقلال و داشتن یک دولت مستقل اختلاف بین احزاب از جمله دو حزب اصلی بارزانی و طالبانی و جست و جوی منافع شخصی به جای منافع قومی است به عبارتی به توجه به ساختار نامتعادل قدرت در اقلیم کردستان عراق، اختلافات داخلی احزاب و عدم هماهنگی بین آنها مهم‌ترین دلیل ناکامی استقلال طلبی کردهای کردستان عراق است.

همچنین علاوه بر کشورهای همسایه قدرت‌های بزرگ نیز از استقلال کردستان عراق حمایت نکردند زیرا نمی‌خواهند به خاطر کردها روابط خود را با کشورهای کرد نشین منطقه به خطر بیندازد. بنابراین دولت اقلیم کردستان با چالش‌های داخلی و خارجی زیادی مواجه است. اما مهم‌ترین چالش داخلی در اقلیم کردستان عراق اختلافات احزاب کردی داخلی می‌باشد. اقلیم کردستان با موانعی همچون اختلافات زیاد داخلی، عدم همراهی کشورهای منطقه و آمریکا، مشکلات زیاد حوزه اقتصادی و مخالفت ترکیه و ایران و کشورهای همسایه مواجه است. از سال ۱۹۹۱، مسئله استقلال اقلیم کردستان عراق یکی از اهداف مهم این اقلیم به شمار می‌رود. مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق برای رسیدن به این هدف در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ میلادی همه‌پرسی تعیین استقلال این اقلیم را از حکومت مرکزی برگزار نمود و عراق را تا آستانه خطر تجزیه‌طلبی و جنگ داخلی پیش برد و کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و سوریه که دارای اقلیتی از کردها می‌باشند، این مسئله را تهدیدی بالقوه علیه امنیت ملی خود قلمداد کردند. منطقه کردستان عراق به دلیل موقعیت منحصر به فرد ژئوپولیتیک، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق خاورمیانه شناخته می‌شود.

#### منابع

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۰)، آمریکا و مدیریت اختلافات بغداد- اربیل، پژوهشکده مطالعات کاربردی.
- افتخاری، قایم، خجسته‌نیا، حسین (۱۳۸۷)، درآمدی بر علم بازتعریفی در نظریه روابط بین‌الملل، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره دو.
- اینکبری جان جی، (۱۳۸۴)، ابر قدرت هژمونی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه عظیم فضلی پور، تهران: ابرار معاصر.
- باقری، حسین، نظام‌لو، علی‌اوسط (۱۳۹۴)، رویکرد سیاسی ترکیه در اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله امنیت ملی، شماره ۱۶.

بلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین: زمینه تاریخی و نظریه‌ها، ساختارها و فرآیندها (جلد ۱)، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

حاتمی، محمدرضا و سانیار، میکائیل (۱۳۹۶)، همه‌پرسی اقلیم کردستان؛ منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۷.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳.

حافظ‌نیا، محمدرضا؛ قربان‌نژاد، ریاز و احمدی‌پور زهرا (۱۳۸۹)، تحلیل تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره ۲.

حق‌پناه، جعفر (۱۳۷۸)، اپوزیسیون و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴.

جلاپور، شیوا، رحیمی، محمد (۱۳۹۶)، حضور نظامی آمریکا در عراق جدید و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله پژوهش ملل، شماره ۱۹.

جوکار، کیوان و همکاران (۱۳۹۹)، بررسی وضعیت واگرایی و همگرایی اقلیت‌های قومی و مذهبی در کشور (مناطق کردنشین و بلوچ‌نشین)، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره چهارم.

خلیلی، محسن و دیگران (۱۳۹۱)، مدلسازی ژنوم‌های ژئوپولیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، دوره یک شماره ۳.

روزبه، عبدالله، کیانی، جواد (۱۳۹۵)، تحولات کردستان عراق و تأثیرات آن بر خاورمیانه، مجله علوم و فنون مرزی، شماره ۱۷.

زارعی، بهادر، رنجبری، کمال (۱۳۹۵)، تحلیل چالش‌های اقلیم کردستان و حکومت مرکزی و تاثیر آن بر آینده کشور، فصلنامه سیاست، شماره ۴.

زیا کلام، صادق، عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۹۰)، ژئوپولیتیک شکننده کردستان عراق، عواملی همگرا در نزدیکی کردهای عراق به رژیم اشغالگر قدس، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴.

ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم: پژوهشی درباره امپریالیسم، تهران: نشر پازنگ.

سازمند، بهاره نوری، کریمی و علی حسینی‌پور (۱۳۹۰) روابط جمهوری اسلامی ایران و حکومت اقلیم کردستان، تهران: فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره ۲.

شوری، محمود (۱۳۸۲)، هژمونی و ضد هژمونی، فصلنامه راهبرد، شماره بیست و هفتم، بهار.

کیوان حسینی، اصغر(۱۳۸۹)، نظریه ضدآمریکا گرایی؛ روند تحول از ژورنالیسم تا نظریه علمی با تاکید بر ضد آمریکاکرایی اروپایی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره سوم.

مصلی‌نژاد، عباس(۱۳۹۵)، سیاستگذاری انسجام درونی حوزه راهبردی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره دوم.

محمدیان، علی و ترابی، قاسم(۱۳۹۴)، تبیین تاثیرات تحولات عراق بر اقلیم کردستان، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴.

محمدی، حمیدرضا(۱۳۹۱)، ژئوپولیتیک کردستان عراق، تهران: نشر انتخاب.

موسوی‌زاده، علیرضا و جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۳۸۸)، جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۱۱.

نصری، قدیر(۱۳۹۳)، امکان سنجی استقلال کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی، فصلنامه امنیت پژوهشی شماره ۴۲.

یلدیز، کریم(۱۳۹۱)، کردها در عراق: گذشته، حال و آینده، ترجمه: سیروس فیضی، تهران: توکلی.

Brendan et al, Oleary,(2005), the future of Kurdistan in Ireq, New York, Philadelphia,press  
Gunter, M.(1993). A defacto Kurdish state. Third word quarterly. Vol: 14. no:2.

JÜDE, J. (2017). Contesting borders? The formation of Iraqi Kurdistan's de facto state. International Affairs.

Larzief, M.C.(2002). Kurdistan and Kurd and The Causes of Crisis, Translated by Behzad Khoshhali, [In Persian], Sanandaj: Midia Pub.

Nye, Joseph (1997), Undrestanding International Conflicts, New York: Wesley Longman. -  
Walt, Stephan (2005), Taming American Power. New York: Cornell University Press

Rogg, I. & Rimscha, H. (2007). "The Kurds as parties to and victims of conflicts in Iraq". International review of red cross